

به نام خدا
گزارش کامل آیین گشایش گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی
و مراسم سومین دوره اهدای نشان دکتر نگهبان
تهیه و تنظیم: حمید رضا ولی پور

روز سه شنبه پنجم اسفند ماه ۱۳۹۳، آیین گشایش گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی همراه با مراسم سومین دوره اهدای نشان دکتر نگهبان از ساعت ۹ الی ۱۳ در تالار مولوی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید. در این مراسم که با حضور و همراهی مسوولان دانشگاهی، رییس، معاونین، مدیران گروه و اعضای هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، استادان و پیشکسوتان باستان شناسی، مسوولان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و نیز دانشجویان باستان شناسی تشکیل شد، استادان و مسولان به ایراد سخنرانی و گفتگو پرداختند.



پس از تلاوت آیاتی چند از قران مجید و پخش سرود ملی و سرود دانشگاه، مراسم با سخنرانی آقای دکتر ولی پور مدیر گروه باستان شناسی و معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی آغاز شد. ایشان پس از عرض خیر مقدم به میهمانان، از آنان بخاطر حضور در این مراسم قدردانی نمودند؛ و سپس مروری بر تاریخچه شکل گیری گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی داشته و بر رویکرد انسان شناختی و مسیر تازه ی این گروه در راه آموزش عالی رشته باستان شناسی تاکید کردند. این سخنان با نمایش اسلایدهایی از روند تشکیل گروه و مکاتبات انجام شده بین مسئولین دانشکده با دانشگاه و مسئولین دانشگاه با وزارت علوم همراه بود. وی در ادامه از افرادی که در تاسیس این رشته نقش داشته اند بویژه گروه فلسفه دانشگاه و جناب آقای دکتر ملاصالحی و همینطور مسئولین دانشگاه و دانشکده قدردانی نمود و محافل علمی و پژوهشی باستان شناسی کشور نظیر پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی را به همکاری متقابل در پروژه های علمی، آموزشی و پژوهشی فراخواند. سپس ایشان در بخش دیگری از سخنان خود به اهمیت برگزاری سومین دوره اهدای نشان دکتر نگهبان پرداختند و ضمن تبریک به استاد صاحب نام و پیشکسوت باستان شناسی ایران جناب آقای دکتر محمد رحیم صراف بخاطر دریافت این نشان، یادآوری نمودند که نخستین دوره اهدای نشان دکتر نگهبان نیز در دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۹۱ برگزار شد.



آقای دکتر خاتمی، رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی نیز با اشاره به اهمیت این رشته در شناخت و اعتلای هویت ملی و احیای فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی و ضرورت وجود این رشته در دانشکده ادبیات و علوم انسانی که از سابقه درخشان آموزشی و پژوهشی در رشته های علوم انسانی طی سال های گذشته برخوردار است، آغاز به کار این رشته را نکو داشته و حمایت خود را از شکل گیری گروه و حرکت در جهت پیشبرد اهداف آن را اعلام نمودند و از مسؤولان سازمان میراث فرهنگی و مراکز مرتبط با فعالیتهای باستان شناسی درخواست نمودند که به گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی به عنوان یک جریان نوپا و نوظهور عنایت بیشتری داشته باشند.

سخنران بعدی آقای دکتر رسولی مشاور رئیس دانشگاه و مدیر حوزه ریاست و امور هیأت ها بودند که پیام خیرمقدم و تبریک آقای دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه را به حاضرین در جلسه اعلام نمودند. وی در سخنان خود بر جامعیت دانشگاه شهید بهشتی و برخورداری از رشته ها و گروه های آموزشی و مراکز پژوهشی متنوع که در یک سایت متمرکز شده اند به عنوان مزیت و امتیاز دانشگاه شهید بهشتی تاکید نمودند و به موضوع مهم هویت در جوامع امروزی پرداختند و عنوان نمودند که باستان شناسی علمی است که با مطالعه سابقه و پیشینه کهن تمدن ایرانی، به شناسایی هویت ما و جلوگیری از بحران هویت در جامعه کمک خواهد کرد و بنابراین اهمیت و ضرورت تشکیل آن در دانشگاه کاملاً روشن است.



آقای مهندس بهشتی رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی سخنران بعدی مراسم بودند که ضمناً فارغ التحصیل معماری از دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی هستند. ایشان با اشاره به اینکه این دانشگاه را به نوعی خانه خود می دانند، از شکل گیری گروه باستان شناسی در این دانشگاه ابراز خوشنودی کرده و با توجه به ضرورت های پژوهشی جدید در عرصه مطالعات باستان شناسی و لزوم پرداختن به مباحث میان رشته ای، دانشگاه شهید بهشتی را با توجه به سابقه حضور گروه هایی که در راستای چنین مطالعاتی ارتباط نزدیکی با باستان شناسی دارند، محلی مناسب برای پرداختن به مطالعات میان رشته ای باستان شناسی دانستند و تاکید نمودند که این رشته به فعالیتهای میدانی باستان شناسی متکی است؛ و در این راستا به سنت مرحوم دکتر نگهبان در پایه گذاری فعالیتهای میدانی دانشگاه تهران در دشت قزوین و هفت تپه اشاره نمودند و اعلام داشتند سازمان میراث فرهنگی آمادگی این را دارد که ضمن حمایت از پروژه های پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، پایگاهی دائمی و پژوهشی برای انجام فعالیتهای میدانی در اختیار گروه باستان شناسی این دانشگاه قرار دهد.



در ادامه مراسم، سوگند نامه دانشجوی باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی توسط یکی از نخستین ورودی های باستان شناسی این دانشگاه قرائت شد و مورد توجه حاضرین در جلسه، بویژه باستان شناسان پیشکسوت قرار گرفت. پس از قرائت سوگند نامه، لوح یادبود و هدیه از سوی گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی به افرادی که نقش مهمی در تاسیس گروه باستان شناسی داشته اند، توسط تنی چند از پیشکسوتان حاضر در جلسه اهداء گردید.



سپس سرکار خانم دکتر چوبک رییس پژوهشکده باستان‌شناسی در جایگاه قرار گرفت و ضمن تبریک به دانشگاه شهید بهشتی و گروه باستان‌شناسی این دانشگاه، حمایت پژوهشکده باستان‌شناسی از گروه را اعلام کردند. خانم چوبک از رویکرد جدید گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی ابراز خوشنودی نمودند و آن را حاکی از عزم جدی و رویکرد تازه این گروه در باستان‌شناسی ایران دانستند و از قرائت سوگند نامه دانشجویی باستان‌شناسی این دانشگاه که برای نخستین بار در عرصه باستان‌شناسی ایران انجام شده است، استقبال نمودند و خواستار آن شدند تا متن این سوگند نامه که به همت آقای موسوی دانشجوی باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی نگاشته شده است، در تمامی مراکز علمی و پژوهشی باستان‌شناسی کشور به عنوان پیمان نامه مورد استفاده قرار گیرد. وی پیشنهاد نمودند که همکاری‌های علمی و پژوهشی میان دو نهاد در قالب تفاهم نامه ای فی ما بین آغاز و ادامه یابد و در راستای ضرورت‌های پژوهشی و آموزشی گروه باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی آماده است که یکی از پایگاه‌های مهم پژوهشی و باستانی را جهت تمرکز مطالعات میدانی گروه با مجوز و مشورت پژوهشکده باستان‌شناسی در اختیار این گروه قرار دهد.

پس از ایشان آقای دکتر ملاصالحی، باستان‌شناس برجسته دانشگاه تهران، به ایراد سخن پرداختند و در ابتدای سخنان خود به نقش گروه فلسفه، خاصه آقایان دکتر ایلخانی و دکتر مسگری در شکل‌گیری گروه باستان‌شناسی دانشگاه اشاره نمودند و امروز را روزی فرخنده و تاریخی خواندند و خود را در شادمانی گروه باستان‌شناسی سهیم دانستند. سپس با نقل قول از کالینگوود، باستان‌شناس، مورخ و فیلسوف انگلیسی اضافه نمودند «تاریخ و باستان‌شناسی بیش از علم است؛ جایی که ابزارهای روش‌شناسی می‌برند، آنجاست که تاریخ و باستان‌شناسی فلسفی‌تر، نظری‌تر و معرفت‌شناسانه‌تر به میدان می‌آید. و عملاً هم این اتفاق افتاده است. ابزارهای روش‌شناسی علمی دیگر آنسوتر نمی‌روند. آن سوی لایه‌های یک زمین‌شناس، تمدن نیست، فرهنگ نیست؛ فقط آن لایه هاست و با یک توصیف دقیق کار به پایان می‌پذیرد. ولی آن سوی داده‌های باستان‌شناسی و آن سوی فرهنگ مورخان، عالمی از اندیشه‌ها، عالمی از دیگرها، عالمی از رفتارهای مفقود هست که باید دانسته شود و بدون یک فکر فلسفی و نظری امکان‌پذیر نیست. باستان‌شناسی در تصور عامه یک رشته است و این تصور خیلی عامیانه است. حتی گفته می‌شود یک رشته دانشگاهی با روش‌شناسی خاص خود، با پرسش‌های خاص خود، با هدف و غایت خاص خود و برای روشن کردن روندها و رویدادهای مفقود تاریخ آدمی است تا بتوانیم بفهمیم از کجا آغاز کرده ایم تا به اینجا رسیده ایم.



ولی باستان‌شناسی تنها یک رشته نیست، حتی باستان‌شناسی صرفاً پیکره‌ای از علوم باستان‌شناسی نیست؛ باستان‌شناسی بیش از اینهاست. باستان‌شناسی یک تحول بنیادین و بی‌سابقه در اندیشه تاریخی و نظام دانایی انسان دوره ماست. هیچ تمدنی در گذشته به مفهوم مدرن آن تاریخ را جراحی نکرده است. برای هیچ تمدنی، آثار تاریخی، ماده‌های فرهنگی و فرهنگ مادی موضوعیت شناخت نداشت. این تپه‌ها، تل‌ها، کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، گورستان‌ها و شهرهای متروک هزاره‌ها در منظر نظر همه تمدن‌ها و جوامع بوده‌اند، اما برای نخستین بار در دوره جدید است که اینها جراحی می‌شوند. هیچ تمدنی شامپولیون نداد، هیچ تمدنی گروتفند نداد، این اتفاق در دوره جدید افتاد. هیچ تمدنی موزه به معنای مدرن نساخت؛ موزه یک پدیده جدید تاریخی است که شانه به شانه باستان‌شناسی متولد می‌شود. باستان‌شناسی در میان قیامتی از تعقلات فکری، ارزشی و اعتقادی در سده‌های رنسانس در غرب متولد می‌شود. باستان‌شناسی یک رویکرد و چرخش بنیادی در اندیشه تاریخی انسان قرون جدید است که در گذشته وجود نداشت. باستان‌شناسی یک نسبت است، نوعی رابطه است؛ چنین رابطه‌ای در گذشته وجود نداشت، چنانکه هنوز هم این رابطه در کشور ما به وجود نیامده، زیرا درک باستان‌شناسانه وجود ندارد. یک نوع نگاه و نسبت بنیادی به آرخه و لوگوس انسان دوره جدید است، که نه از جنس آرخه و لوگوس هلنی است و نه از جنس آرخه و لوگوس مسیحی؛ از یک جنس دیگر است؛ به همین خاطر به آن آرکئولوژی می‌گویند. واژه‌ای که ترجمه پذیر نیست. یک نوع نگاه و نسبت دیگر به منشاء و مبداء چیزهاست؛ به دلیل و معرفت و علت چیزها؛ چطور اتفاق افتاده‌اند؟ یک چنین نگاهی در گذشته وجود نداشت و در دوره جدید اتفاق می‌افتد و این اتفاق کوچکی نیست. باستان‌شناسی یکی از انسانی‌ترین رشته‌های روزگار ماست، با سرشتی عمیقاً انسان‌شناسانه و تاریخی و فوق‌العاده مهم. هیچ دانشی در میان رشته‌های علوم انسانی این همه منابع و آثار در اختیار ما قرار نداده است و هیچ دانشی به اندازه باستان‌شناسی وجب به وجب و لایه به لایه تاریخ بشر را تا مرزهای تاریخ طبیعی زیر جراحی‌های بی‌وقفه و بی‌امان خود نگرفته است. این اتفاق کوچکی نیست. امروز کلنگ باستان‌شناسان چابک‌تر و چالاک‌تر از قلم مورخان در صف مقدم شناخت، آگاهی و فهم تاریخی ما ایستاده است و این چیز کمی نیست که ما بسادگی از کنار آن بگذریم». دکتر ملاصالحی در انتهای سخنان خود ابراز امیدواری کردند تا روزی شاهد شکل‌گیری دانشکده علوم باستان‌شناسی در دانشگاه شهید بهشتی باشیم.

در ادامه آقای دکتر طالبیان، معاون سازمان میراث فرهنگی کشور سخنان خود را با ابراز خوشحالی از ایجاد رشته باستان‌شناسی در دانشگاه شهید بهشتی آغاز نمودند و اضافه نمودند که این دانشگاه، بسیار مهم و پراستوار و از دانشگاه‌های مادر در کشور است و از اینرو ایجاد رشته باستان‌شناسی در آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. وی رشته باستان‌شناسی را یک حرفه فرهنگی و مقدس دانست که با حفظ و صیانت از فرهنگ کشور در ارتباط است و آن را فرصتی استثنایی برای کشور دانست تا ضمن حفاظت از هویت و اصالت کشور، به معرفی ارزش‌های فرهنگی و تاریخی کشور به مخاطبین پرشمارش بپردازد. دکتر طالبیان به اهمیت شناخت و درک ارزش‌ها و فرهنگ کشور توسط مردم اشاره نمود که در اینصورت در حفاظت از موارث فرهنگی بهتر اقدام خواهند نمود. وی نیز ضمن تشریح مراحل مختلف پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی از ابتدای بررسی و شناسایی تا کاوش، مرمت و حفاظت عنوان نمود که در کل این مراحل، آموزش وجود دارد؛ بنابراین بین فعالیتهای میدانی و آموزش در دانشگاهها رابطه تنگاتنگی وجود دارد و ما در سازمان میراث فرهنگی آماده هرگونه همکاری با دانشگاه بزرگ

شهید بهشتی هستیم. وی نیز ابراز امیدواری کردند که انواع رشته ها و گرایش هایی که وابسته به باستان شناسی هستند بتدریج در این دانشگاه ایجاد و راه اندازی شوند.



نمایش فیلم تپه های مارلیک، اثر ابراهیم گلستان پایان بخش قسمت اول مراسم بود. این فیلم که مضمون آن در باره کاوش های باستان شناختی مرحوم دکتر نگهبان در تپه مارلیک است، با استقبال حضاران مواجه شد و لحظاتی خاطره انگیز در ذهن همکاران و شاگردان دکتر نگهبان تداعی نمود.

در ادامه برنامه، مراسم سومین دوره اهدای نشان دکتر نگهبان از سوی انجمن علمی باستان شناسی به آقای دکتر محمد رحیم صراف از اساتید و پژوهشگران پیشکسوت باستان شناسی برگزار شد. نخستین دوره اهدای نشان نیز پیشتر در اسفند ماه ۱۳۹۱ در نخستین همایش باستان شناسی و هنر ساسانی که در تالار مولوی همین دانشکده برگزار شده بود به آقای دکتر محمد یوسف کیانی اهدا شد.

در این مراسم دوستان و شاگردان دکتر صراف با ذکر خاطراتی به ایراد سخن در باره مقام علمی دکتر صراف پرداختند. ابتدا رئیس انجمن باستان شناسی ایران آقای دکتر موسوی کوهپیر، به رویه انجمن در اهدای نشان دکتر نگهبان به باستان شناسان پرداخت و ضمن مروری بر دوره های پیشین، دلایل انتخاب آقای دکتر صراف را از سوی انجمن برای دریافت این نشان ذکر نمودند. وی شخصیت دکتر صراف را در دو بعد آموزشی و پژوهشی مورد توصیف قرار دادند و با ذکر خاطراتی چند از دکتر صراف ایشان را یکی از با اخلاق ترین و در عین حال جدی ترین و سخت گیر ترین استادان باستان شناسی برشمردند که خود نیز در دانشگاه تربیت مدرس مدتی شاگردی آن استاد را تجربه کرده اند و به حمایت های علمی دکتر صراف از دانشجویان اشاره نمودند و در پایان سخنان خود برای ایشان سلامتی و تداوم فعالیتهای آموزشی و پژوهشی را آرزو نمودند.



در ادامه استاد محمود موسوی از باستان شناسان پیشکسوت و همکار آقای دکتر صراف به تجلیل از دکتر صراف پرداختند. وی ضمن تشریح شخصیت دکتر صراف، وی را در همکاری های مشترک پژوهشی و اداری، فردی معرفی نمود که همواره در جبهه مخالف قرار داشتند، که البته پس از درک منطق مخالفت ایشان، متوجه می شدیم که حق با ایشان است و ما راه خطا رفته ایم.

استاد موسوی اهدای نشان دکتر نگهبان را سنت مرضیه ای از سوی انجمن علمی باستان شناسی ایران عنوان نمودند که پیشتر در دومین دوره آن به ایشان هم تعلق گرفته بود. به نظر وی نشان دکتر نگهبان فقط این نیست که لوحی تقدیم فردی پیشکسوت و استخوان خورد کرده تقدیم می شود، بلکه ضمناً تجلیل از آن مرد بزرگی است (دکتر نگهبان) که امروز دیگر در میان ما نیست. آن مرد بزرگواری که همه ما شاگرد بلافصل او هستیم که جدیت و منطق مثبت و سازنده ای داشت. علاوه بر این بهانه ای است برای اینکه باستان شناسان دور هم جمع شوند. استاد موسوی باستان شناسان را همچون تپه های منفردی فرض نمود که هرکسی راه خودش را می رود و باستان شناسی ما چوب این فردیت را می خورد و اضافه نمود که از زمان دانشجویی وی این فردیت، خودبینی و خودخواهی وجود داشت و ابراز امیدواری کرد که اکنون دیگر این وضعیت وجود نداشته باشد. به همین خاطر معتقد است که انجمن باستان شناسی ایران و آقای دکتر موسوی کوهپر و همکارانشان در این انجمن دلها را به هم نزدیک و باستان شناسان را دور هم جمع کرده اند. وی به نقل قول جمله ای از برنارد شاو نویسنده بزرگ انگلیسی که خطاب به مکس مالوان ایراد کرده بود پرداخت: « شما باستان شناسان اندک بین هستید و فقط تا زیر کف پایتان را می بینید، در حالیکه ستاره شناسان و زیست شناسانی چون هاکسلی افق های دور و بلند را می بینند» و ادامه داد که امیدوار است « ما مشمول این شوخی برنارد شاو نباشیم و بتوانیم وسعت نظر پیدا کنیم؛ دید وسیع پیدا کنیم و فقط خودمان تا زیر پایمان را نبینیم. درست است که در زیر خاک خیلی گنجینه ها هست و ما باید آن را بکاویم، ولی دنیای اطراف خودمان را هم باید ببینیم. در هر حال این مراسم، بهانه ای است برای دور هم جمع شدن و مزیت آن این است که به ما اصالت می دهد و باستان شناسی را به عنوان دانشی فراخ بین و دنیا نگر معرفی می کند و به همین خاطر من وظیفه دارم که از آقای دکتر موسوی، دکتر ملکزاده، آقای آریا منش، خانم میری و سایر همکاران ایشان در انجمن قدردانی نمایم».



دکتر فاضلی دانشیار دانشگاه تهران نیز به عنوان یکی از شاگردان آقای دکتر صراف به ایراد سخن پرداخت و به نقش فراموش نشدنی ایشان در زندگی علمی خودشان اشاره نمود. وی به ذکر خاطره ای از تدریس دکتر صراف در ساختمان نیمه کاره دانشکده ادبیات پرداخت که چگونه در اتاق های سرد و فاقد سیستم های گرمایشی با جدیت مثال زدنی به تدریس می پرداخت و از کتابخانه شخصی کتاب برای مطالعه دانشجویان بر سر کلاس های درس می آورد. سپس به نقش ایشان در تحصیل در مقطع

دکترای خود پرداختند و عنوان نمودند که ایشان با پذیرفتن سرپرستی کاوش تپه چشمه علی که از مواد آن در تنظیم رساله ام بهره گرفته می شد، فصل جدیدی از فعالیت های علمی و پژوهشی من در آینده ایفا نمودند و به همین خاطر خود را مدیون ایشان می دانم. لذا از انجمن علمی باستان شناسی و گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی بابت این مراسم تشکر نمودند. وی در ادامه سخنان خود، ضمن تبریک به گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی و در راستای پیشنهادات مسؤولان سازمان میراث فرهنگی در این جلسه پیشنهاد نمودند که محوطه باستانی تپه پردیس که چندین فصل مورد کاوش ایشان قرار گرفته است و آقای دکتر ولی پور به عنوان معاون هیات در این کاوش ها حضور داشتند به عنوان مرکز پژوهش ها و کاوش های باستان شناختی دانشگاه شهید بهشتی تعیین و انتخاب شود.

پس از دکتر فاضلی آقای دکتر مهرداد ملکزاده، عضو هیات علمی پژوهشگاه باستان شناسی به عنوان یکی دیگر از شاگردان دکتر صراف به ایراد سخن پرداختند. وی ابتدا اشاره نمودند که سال ۹۳ سال بسیار خوبی برای باستان شناسی ایران بوده است. در این سال شاهد گشایش گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دو گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران توسط پژوهشگاه باستان شناسی و برگزاری دو مراسم بزرگداشت توسط انجمن علمی باستان شناسی ایران بوده ایم. سپس به سخنرانی خود در مراسم مشابهی که در سال ۹۲ برای گرامیداشت مقام علمی دکتر صراف در شهر همدان برگزار شده بود اشاره نمود و به ذکر خاطراتی از گذشته در باره دکتر صراف پرداخت. ایشان اضافه نمودند زمانی که بیش از ۲۰ سال سن نداشته اند و هنوز دانشجوی نبودند برای ورود به رشته باستان شناسی به نزد استاد مهدی رهبر در سازمان میراث فرهنگی می روند و با توجه به علاقه ای که به دوره ماد داشتند، استاد رهبر ایشان را به آقای دکتر صراف معرفی می نمایند و این سرآغازی برای آشنایی ایشان با دکتر و بهره بردن از استاد بوده است. دکتر صراف در همان جلسه بیش از دو ساعت وقت به ایشان اختصاص می دهد و با پرسش ها و مشاوره هایشان ایشان را به تحصیل در رشته باستان شناسی بیشتر ترغیب می نمایند. به گفته ملکزاده نخستین درسی که از دکتر صراف آموختند این بود که «هرچقدر که بدانی، دریای دانش بقدری گسترده است که به واقع نباید هرگز به دانسته های اندک خود غره شوی». وی اولین ماموریت کاری خود را نیز در هیات دکتر صراف به مدت ۷۵ روز ذکر کردند و مطالبی در باره جدیت و سختکوشی دکتر صراف در این کاوش ها عنوان نمودند و وی را یکی از بهترین نگهبانان میراث فرهنگی کشور دانستند.



سپس در ادامه با دعوت از پیشکسوتان باستان شناسی مراسم اهدای نشان دکتر نگهبان به آقای دکتر صراف برگزار گردید و نشان، لوح یادبود و نیم سکه بهار آزادی از سوی انجمن علمی باستان شناسی ایران به ایشان تقدیم گردید و متن لوح توسط آقای دکتر ملکزاده برای حاضرین قرائت گردید. دکتر ولی پور نیز یک لوح یادبود به همراه هدیه ای از سوی گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی به آقای دکتر صراف تقدیم نمودند. پس از اهدای نشان و هدیه، آقای دکتر صراف به ایراد سخن پرداختند و ابتدا درخواست نمودند به احترام استاد بزرگ دکتر نگهبان حاضرین در جلسه به مدت یک دقیقه بایستند و سکوت اختیار کنند.



دکتر صراف افتتاح گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی را به اعضای گروه و مسئولین دانشگاه شهید بهشتی تبریک گفتند و اشاره نمودند که ایشان به عنوان عضوی از کمیته تصمیم گیری در شورای گسترش وزارت علوم، با درخواست دانشگاه شهید بهشتی برای اخذ مجوز تاسیس گروه باستان شناسی بخاطر نبود استاد تمام وقت در رشته باستان شناسی آن دانشگاه موافقت نموده اند، تا اینکه ابتدا آقای دکتر ولی پور و سپس خانم دکتر میری و آقای دکتر نقشینه در دانشگاه جذب شدند و به همین خاطر به ایشان تبریک گفتند و در ادامه از انجمن علمی باستان شناسی ایران بخاطر اهدای نشان دکتر نگهبان به وی قدردانی نمودند.

دکتر صراف سپس با مروری بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی خود طی سالیان گذشته، نخستین سال ورود خود به اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه را در سال ۱۳۴۴ ذکر نمودند که مرحله نخست فعالیت های ایشان تا سال ۱۳۵۰ را در بر می گیرد. طی این مدت ماموریت های فراوانی در هیات های باستان شناسی ایرانی و خارجی به عنوان عضو یا نماینده آن اداره بر عهده داشته اند. از جمله این ماموریت ها می توان به شرکت ایشان در پروژه های زیر اشاره نمود: مامور در پروژه بمپور به سرپرستی خانم دکارتی، عضو بررسی در منطقه رستم آباد عیلام به سرپرستی آقای جهانگیر یاسی، همکاری با آقای کالدول در محوطه تل ابلیس کرمان و مشارکت در هیات کلر گاف در کاوش های باباجان در لرستان همزمان با کاوش دیوید استروناخ در نوشیجان، همکاری شش ماهه در کاوش محوطه بیشاپور باتفاق آقای دکتر سرفراز و همینطور کشف، شناسایی، نقشه برداری و رونوشت برداری از کتیبه سارگن آشوری در اورامانات کردستان که در ارتفاعات قرار گرفته و با زحمات و سختی بسیار ممکن شد؛ و دو فصل شرکت در کاوش های هفت تپه به همراه آقایان رهبر، کابلی، یغمایی، مرحوم آذرنوش و سرکار خانم دانشپورپرور زیر نظر استاد دکتر نگهبان و کاوش مقبره پتی آهار.

مرحله دوم فعالیت های باستان شناسی ایشان در سال ۱۳۵۰ و عزیمت به کشور آلمان برای تحصیل در دوره دکترا آغاز شد. ایشان به نقش دکتر نگهبان در معرفی وی به پروفیسور گدار، رئیس بخش باستان شناسی آسیای نزدیک در دانشگاه مونیخ اشاره نمودند که امکان ادامه تحصیل برای وی را میسر ساختند. سپس به شرح نظام آموزشی دانشگاه مونیخ و ترتیباتی که آن دانشگاه برای دانشجویان باستان شناسی در نظر گرفته بود از جمله بازدید از بسیاری از موزه های معتبر اروپا اشاره نمودند که نقش زیادی در فراگیری ایشان ایفا نمودند. دکتر صراف در ادامه گفتند که در سال ۱۳۵۶ با اخذ مدرک دکترا به ایران بازگشتند و به فعالیت های آموزشی و پژوهشی خود در ایران ادامه دادند که البته بخاطر وقوع انقلاب و شرایط جنگ تا سال ۱۳۶۲ کاوش های باستان شناسی تعطیل شد و از این سال به ایشان ماموریت داده شد برای سامان دهی و کاوش در تپه هگمتانه عازم همدان شود که فصل جدیدی در حیات علمی و پژوهشی ایشان گشود. وی با ذکر وضعیت تپه هگمتانه در این سالها که تبدیل به زباله دانی شده بود و پس از سامان دهی و کاوش های ایشان به یک فضای علمی، فرهنگی و تاریخی تبدیل شده بود، خاطراتی از بازدید های مسئولان کشوری چون نمایندگان مجلس و معاون رئیس جمهور از تپه هگمتانه بازگو نمودند. سپس به کاوش محوطه چشمه علی و کمک به دکتر فاضلی برای کاوش در این تپه و حضور در دانشگاهها و مراکز علمی معتبر جهان برای ایراد سخنرانی اشاره نمودند و در نهایت به همکاری با دانشگاههای تهران، تربیت مدرس، و دانشگاه آزاد در زمینه فعالیت های آموزشی خود پرداختند و عنوان نمودند که همواره در کار پژوهش و آموزش به صورت توأمان حضور داشته اند. در پایان ایشان از گروه باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی و انجمن علمی باستان شناسی ایران بخاطر ترتیب دادن این مراسم و اهدای نشان دکتر نگهبان تقدیر نمودند.



در پایان مراسم دکتر ولی پور مجدداً از همه میهمانان و مدعوین بخاطر حضور در این جلسه تشکر و قدردانی کردند و از تمامی دست اندرکاران دانشگاه بویژه از آقای دکتر خاتمی رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سرکار خانم دکتر داوری معاون پژوهشی دانشکده، آقای ایرج مدیر اجرایی دانشکده و سایر عوامل اجرایی و افرادی که به گروه باستان شناسی برای تشکیل این مراسم کمک کرده بودند تشکر نمود و اضافه نمود که این مراسم با کمک همکارانش در گروه باستان شناسی و دانشجویان باستان شناسی دانشگاه شهید بهشتی میسر شده است و به همین خاطر از آنان نیز قدردانی نمود.



پس از صرف نهار در دانشگاه، برنامه بازدید از مجموعه فرهنگی و تاریخی سعد آباد تدارک دیده شده بود که با همکاری آقای دکتر منصور زاده مدیر این مجموعه و همکارانشان فراهم شد و افراد از موزه ها و بخش های مختلف سعدآباد دیدن نمودند و آقای وکیل باشی به عنوان راهنما، توضیحات کافی در باره موزه ها ارائه دادند.

